

سال پیروزی تراژدی بر کمدی

بی‌شک می‌توان از سال 90 به عنوان عجیب‌ترین سال تاریخ سینمای ایران، دست‌کم پس از انقلاب نام برد.



سینمای ایران در 1390

سال پیروزی تراژدی بر کمدی

جام جم آنلاین: بی‌شک می‌توان از سال 90 به عنوان عجیب‌ترین سال تاریخ سینمای ایران، دست‌کم پس از انقلاب نام برد. طی سال گذشته آنقدر اتفاقات ریز و درشت در این فضای هنری رخ داده که نمی‌دانیم از کجا شروع کنیم و چطور به همه آنها بپردازیم. از دستیابی آخرین فیلم فرهادی به بزرگ‌ترین جایزه سینمایی جهان یعنی اسکار گرفته تا انحلال خانه سینما و حضور گسترده بازیگران جوان در فیلم‌ها و چند رویداد جنجالی دیگر در حاشیه سینما که سبب شد هنر هفتم در عجیب بودن وقایع اول شود و سالی به یادماندنی را پشت سر بگذارد.

با این حال، به لحاظ فروش و رونق اقتصادی، غیر از یکی دو مورد، اغلب فیلم‌هایی به نمایش درآمده در سال 90 نتوانستند چندان رضایت تهیه‌کنندگان را جلب کنند و تقریباً بیشتر آنها با شکست مواجه شدند.

پراکنده‌گویی را کنار بگذاریم و مروری کامل با ذکر جزئیات داشته باشیم بر مهم‌ترین حوادث و دستاوردهای قابل‌ذکر سینمای ایران در سال 90.

سالی که نکوست...

سینمای ایران، امسال یک آغاز باشکوه و گرانبه‌ای داشت. بهار امسال، دو فیلم #171جدایی نادر از سیمین و سری سوم #171؛ اخراجی‌ها» همزمان روی پرده آمد تا سینما روها شاهد افتتاحیه موفق‌تری در سال پیش‌رو باشند؛ گرچه این دستاورد موفقیت‌آمیز زود هنگام، دیری نپایید و در ادامه سال، سینما مسیری سراسیمه را طی کرد.

فیلم‌هایی نامبرده که از نظر ژانر در تقابل و در سوژه و محتوا - تا حدودی - در تشابه با یکدیگر بود با اختلاف ناچیزی از هم توانست به فروشی میلیاردی دست یابد.

با وجود این به نظر می‌رسد در سال 90، اقبال با فیلم‌های تراژیک همراه بود تا کمدی‌هایی نظیر اخراجی‌ها و امثال آن.

در کنار این دو فیلم، #171؛ یکی از ما 2 نفر» آخرین ساخته تهمینه میلانی هم مهمان فروردین ماه بود که براساس انتظار، با سردی از جانب تماشاگران روبه‌رو شد.

ورود اخموها ممنوع!

رویدادهای بسیاری، فصل دوم سال را به خبرسازترین بخش این گزارش بدل کرد. نخست آن‌که سینمای تابستان 90، به لطف اکران کمدی میلیاردی و خوش‌ساخت #171؛ ورود آقایان ممنوع!» بدجوری گرم بود.

رامبد جوان با سومین ساخته بلند سینمایی‌اش نشان داد موفقیت #171؛ پسر آدم، دختر حوا» و تثبیتش در جایگاه یکی از بهترین بازیگران سینمای کمدی، اتفاقی نبوده و گویا زبان کمدی را خیلی خوب می‌شناسد.

#171؛ ورود آقایان ممنوع!» بهانه خوبی برای آشتی دوباره آنهايي بود که از آخرین حضورشان در سالن‌های سینما، سال‌ها می‌گذشت.

فروش فیلم جوان نه تنها رکورد فیلم‌های فصل بهار را جابه‌جا و عنوان فیلم پرفروش سال را از آن خود کرد که هزینه تولید فیلم را هم درآورد و ادامه راه را برای کارگردان جوانش سخت‌تر کرد.

اتفاق خوشمزه روزهای داغ تابستان، اکران همزمان فیلم دیگری با نامی شبیه فیلم رامبد جوان بود که البته در دسرهایی هم آفرید.

رویداد دیگر تابستان، شیوه عجیب تبلیغات برخی فیلم‌ها از جمله همین « و ورود آقایان ممنوع!« بود.

رضا عطاران و پگاه آهنگرانی در حرکتی نمادین و مشتری‌جذب‌کن در نخستین روزهای نمایش فیلم، به گیشه سینما آزادی رفتند و شروع کردند به فروختن بلیت فیلم خودشان.

در ادامه هم نیکی کریمی با حضور در گیشه سینما آزادی و فروش بلیت برای فیلم سومش در مقام کارگردان - « سوت پایان« - از این حرکت موثر استقبال کرد.

غیر از مواردی که به آنها اشاره شد، دیگر هیچ‌کدام از فیلم‌های اکران تابستان، تبلیغات پرشور و مفصلی نداشت.

اینجا بدون من، آقاییوسف، آلزایمر، سیزده‌59، شبانه‌روز، مرهم و قصه پریا حتی از اهمیت کمتری نسبت به رقبایشان در نمایش عمومی برخوردار بود.

در ضمن اکران یوسف پیامبر همزمان با روزهای ماه رمضان و اجرای طرح شبانه اذان تا اذان، کمک‌چندانی به جذب تماشاچیان سینمادوست و رونق گیشه نکرد.

باده‌ها خبر از تغییر...

با آغاز ماه مهر، فیلم‌ها یکسره تغییر کرد و برنامه‌های تازه و جالب‌تری برای نمایش عمومی در سینماها در نظر گرفته شد.

مهم‌ترین فیلم‌های پاییز، « به حبه قند« و « سعادت‌آباد« بود که هر دو، هم خوب فروختند و هم شیوه مناسبی در اکران آنها اتخاذ شد.

رقابت سخت و شانه به شانه این دو فیلم، انتخاب را برای هر فیلم‌بین حرفه‌ای سخت می‌کرد. جالب آن‌که بخت با « سعادت‌آباد« یار بود تا در فروش خود از فیلم رضا میرکریمی پیش بیفتد.

اسب حیوان نجیبی است، راه آبی ابریشم، زندگی با چشمان بسته، ندارها و شیش و بش دیگر فیلم‌های این فصل بود که نتوانستند به فروش مطلوبی دست یابند.

همین‌طور دو فیلم سفارشی و ضدصهیونیستی « 33 روز« و « شکارچی شنبه« با وجود هزینه تولید بالایشان، نتوانستند به کف فروش دست یابند و حتی هزینه تولیدشان را برگردانند.

زمستان است...

فصل پایانی هر سال برای اکران فیلم‌های سینمایی، بدترین زمان ممکن است. با این حال نمی‌توان سینماها را تعطیل کرد. در عوض می‌شود فیلم‌هایی را که حتی در شرایط مناسب، امید چندانی به دیده شدن و فروش آنها نمی‌رود، در این فصل مرده روی پرده فرستاد.

نگاهی به اسامی فیلم‌هایی که اینک در سینماها نمایش داده می‌شود.

گویای چنین احوالی است؛ فیلم‌های دره‌می که مخاطب باید با توسل به سلیقه و دانش سینمایی‌اش یکی از آنها را برگزیند و گاهی تماشاگر بین آنها، به موارد عجیبی از قبیل « چیزهایی هست که نمی‌دانی«، « شب«، « زمانی برای دوست داشتن« و البته کم‌دی بی‌ارزش « قبرستان غیرانتفاعی« برمی‌خورد.

در میان این آثار، شاید فقط فیلم خاص « چیزهایی هست که نمی‌دانی«، کمی بیشتر از بقیه فیلم‌ها ارزش رفتن به سینما در لابه‌لای انبوه مشغله‌های شب عید را داشته باشد حتی آخرین یادگار اکران شده مرحوم شکیبایی (شب) نیز فیلم چشمگیری برای تماشا نیست.

انگار سردی این شب و روزهای فصل آخر، یقه سینمای ایران را هم چسبیده و خیال ندارد تا پوشاندن لباس نو بر تن طبیعت، دست از

سر بیرونقی سالن‌ها بردارد.

مهم‌ترین واقعه سینمایی این فصل و همچنین تمام سال، شکستن طلسم جایزه اسکار برای فیلم‌های ایرانی است که بالاخره پس از سال‌ها انتظار، این جایزه نیز با رسیدن به فیلم جدایی نادر از سیمین، به گنجینه افتخارات سینمایی ایران در جهان افزوده شد تا کارگردان آن در آستانه سال جدید، عیدی و مزدگانی شیرین و پیش از هنگامی به ملت ایران داده باشد.

احمد رضا حجازی